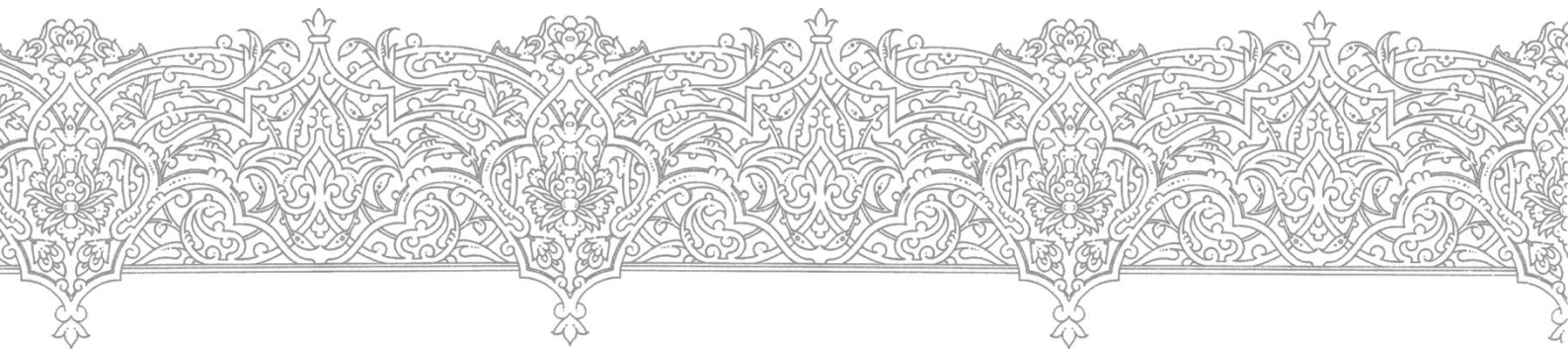




آشنایی با اخوان المسلمین





بود و اعتقاد داشت اینده هر ملت و هر ایدئولوژی در دست نسل جوان، طلبه، دانشجویان و روشنفکران قرار دارد؛ لذا عمده فعالیت های خود را متوجه این قشرها کرد. وی بر آن بود همان طور که در انقلاب های چپی، کادر انقلابی از طبقه پرولتاریا برمی-خیزد، در انقلاب اسلامی نیز برای پیشبرد اهداف باید، مستضعفین را مورد توجه قرار داد. وی در مساجد، مراکز فرهنگی و عمومی درباره مسائل ایدئولوژیک اسلامی سخنرانی می-کرد و کسانی را که تحت تأثیر حرف های وی قرار گرفتند به جلسات خصوصی دعوت می کرد و از همین افراد کادر اصلی را برای سازمان انتخاب می نمود. در سال ۱۹۲۷ م جمعیت شباب المسلمین (سازمان جوانان اسلامی) در قاهره به وسیله برخی دوستان قدیمی وی تشکیل شد. حسن البناء نمایندگی این سازمان و مسؤولیت بخش مجله الفتح، ارگان آن را بر عهده گرفت. سازمان اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ م با بیعت حسن البناء و شش نفر از همفکرانشان تشکیل گردید. در ابتدا فعالیت های آنان جنبه نیمه مخفی داشت و برای گسترش جنبش از جزوه، نامه، سخنرانی و ملاقات های شخصی

یکی از مهم ترین جنبش های اسلامی که تأثیرات شگرفی بر مصر و چندین کشور اسلامی دیگر نهاد، «اخوان المسلمین» است. این سازمان در شرایطی که مصر از نظر سیاسی، اجتماعی، دینی و اقتصادی در وضعیتی بحرانی قرار داشت، تشکیل گردید و از یکسو برای حاکمیت تعالیم اساسی اسلام در زندگی اجتماعی و سیاسی می کوشید و از سوی دیگر می خواست معتقدات اسلامی را از حالت ایستا و خمودگی خارج نماید.

شکل گیری اخوان المسلمین

مؤسس اخوان المسلمین، حسن البناء در حدود سال ۱۹۰۰ م در شمال غربی قاهره متولد شد، بعد از ورود به دبیرستان به عضویت یکی از انجمن های اسلامی درآمد و در این ارتباط سازمان جدیدی به نام انجمن امداد حصافیه را پایه گذاری نمود که دارای دو هدف اصلی «نگهداری و گسترش ارزش های اسلامی» و «دفاع در برابر هجوم میسونرهای غربی» بود. این سازمان الگویی بود که مطابق آن بعدها اخوان المسلمین طرح ریزی گردید. وی در مورد گسست نسل جوان و دانشجویان از فرهنگ خویش و حقایق اسلام بسیار نگران



مصر بود که با ترور وی در ۱۹۴۹م پایان یافت.

اهداف حسن البناء

حسن البناء تلاش های خود را در سه مرحله «تبلیغ»، «جذب و سازماندهی» و «مرحله عملی» آغاز نمود.

سیاست ها و خط مشی حسن البناء :

اصولی که حسن البناء بر آن اعتقاد داشت عبارت بودند از:

۱ - «اجتناب از جدال های مذهبی و فرقه ای» (از زمانی که جماعت تقریب بین مذاهب اسلامی تأسیس شد حسن البناء و ایت الله قمی در تأسیس آن سهیم بودند همکاری میان اخوان المسلمین و شیعیان برقرار شد که در نهایت به دیدار نواب صفوی در سال ۱۹۵۴م. از مصر منجر گردید. حسن البناء در مراسم حج ۱۹۴۸ با ایت الله کاشانی دیدار کرد و میان آنها تفاهم برقرار گردید و برخی از دانشجویان شیعه که در مصر تحصیل می کردند به جنبش اخوان المسلمین پیوستند)

۲ - «سیاست گام به گام»: در نگاه وی جنبش قبل از آن که به هدف غایی خویش

استفاده می کرد. دهه ۱۹۲۰ م که حسن البناء جنبش خود را بنیان نهاد، افکار سیاسی اسلام بین اندیشه های سه مکتب در نوسان بود:

۱. عناصر محافظه کار الازهر یا سنت گرایان که هر گونه سازش یا نوسازی جامعه و دگرگونی دین و مذهب را رد می کردند.

۲. حامیان نوسازی یا شاگردان عبده که هدفشان جامعه ای بود که دین و سیاست از هم جدا باشد.

۳. اصلاح طلبان پیرو رشید رضا که خواستار بازگشت به عقاید و اعمال اولین نسل از احکام اسلامی بودند، که در این میان حسن البناء به مکتب سوم تمایل داشت.

فعالیت های سیاسی - اجتماعی حسن البناء را می توان در سه مرحله بیان نمود:

مرحله اول از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۹م که تمام سعی و تلاش وی بر کارهای نظری، سخنرانی ها، انتشار مجلات و فراگیر شدن نهضت در کشورهای اسلامی بود؛ مرحله دوم از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵م که وی به سازماندهی سیاسی جنبش پرداخت

و مرحله سوم از ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹م که دوران اثرگذاری اخوان المسلمین در مسائل اساسی



دولت انجام می دادند، دولت در سال ۱۹۴۸م با سیزده مورد اتهام به سازمان در مورد فعالیت های تروریستی، توطئه علیه سرنگونی نظام سلطنتی مصر، جمع آوری مهمات و... سازمان را منحل اعلام نمود و حسن البناء در توطئه ای سازمان یافته در فوریه ۱۹۴۹م ترور گردید.

پس از حسن البناء

بعد از ترور بنیانگذار سازمان، دوران بحرانی و مشکلات برای سازمان هویدا گردید و یکی از علل ناکامی سازمان، سیاست طرد و عدم تحمل نظرات در دوره پس از مرگ حسن البناء بود. در سال ۱۹۵۱م حسن الهضیبی رسماً به عنوان مرشد عام اخوان المسلمین منصوب گردید.

برخی از اقدامات وی از قبیل تغییر و تحولات در سازمان، ارتباط وی با فاروق، محدود کردن شاخه مخفی اخوان المسلمین و مخالفت وی با خشونت موجب گردید تعارضاتی در سازمان روی دهد. الهضیبی معتقد بود «دین اسلام دین رحمت است نه ترور و خشونت».

نزدیکی اخوان و افسران آزاد

برسد، باید این مراحل را (تبلیغ، بیان و تفسیر؛ عمل و نتیجه گیری) را گام به گام طی نماید؛ ۳ - «استفاده از نیروهای مختلف برای تحقق اهداف»؛

۴ - «برپایی حکومت اسلامی»: اخوان المسلمین حکومت را برای خود نمی خواهد، بلکه حامی کسانی می باشد که بتوانند مسؤولیت حکومت را بر عهده بگیرند و قوانین قرآن را اجرا نمایند و اگر چنین فردی پیدا نشد، تشکیل حکومت یکی از برنامه های اخوان المسلمین خواهد بود؛

۵ - «مقاومت در برابر تجاوزگران».

جنگ جهانی دوم و پیامدهای مصر، روند تصاعدی نفوذ اخوان المسلمین را در مصر گسترش داد، تشکیلات اخوان المسلمین سازمان یافته تر و مواضع سیاسی و ایدئولوژیک آنها منسجم تر گردید. بعد از جنگ سازمان از وضع آشفته حزب وفد استفاده نمود و خود را به عنوان سازمان انقلابی و مخالف نظام موجود معرفی کرد و پایگاه های توده ای حزب وفد را به سرعت تصرف کرد. بر اثر دسیسه ها و برخی اقدامات خودسرانه که بعضی از افراد در سازمان علیه



با اخوان المسلمین بر مسأله اجرای اسلام نیست، بلکه موضوع سرمایه داری می باشد؛ ولی حقیقت این بود که ناصر نمی خواست غیر از تشکیلات وی گروه قدرتمند دیگری در کشور باشد.

در این زمان سه جناح عمده در اخوان المسلمین وجود داشتند:

- ۱ - جناح اول عبدالرحمان البناء برادر حسن البناء که طرفدار حمایت از ناصر بودند.
- ۲ - جناح دوم که الهضیبی رهبر آن بود که مخالف سیاست های ناصر بود.
- ۳ - جناح سوم که میانه رو و بی طرف بوده و درصدد تفاهم بین جناح ها و دولت بودند.

انحلال اخوان

دولت در ژانویه ۱۹۵۴م. طبق قانون انحلال احزاب، سازمان اخوان المسلمین را منحل و عضویت در آن را غیر قانونی دانست و اتهاماتی به اخوان المسلمین وارد کرد که عبارتند از: سکوت الهضیبی پس از انقلاب و عدم حمایت از آن، مخالفت با اصلاحات ارضی، مخالفت اخوان المسلمین با تشکیل گارد ملی و نیروهای رهایی بخش و ملاقات الهضیبی با سفیر انگلستان.

در این میان سازمان افسران آزاد تصمیم گرفت با سازمان اخوان المسلمین ارتباط برقرار نماید و بین آنان پیمانی منعقد گردید که اخوان المسلمین همه امکانات خود را در اختیار سازمان افسران آزاد قرار دهد و همکاری بین آنها در سال ۱۹۵۱م. به اوج خود رسید، ناصر و گروه وی برای جلب حمایت توده ها بر سازمان اخوان المسلمین تکیه می کردند و در مقابل سازمان هم از طریق افسران آزاد به اسلحه و آموزش نظامی دست می یافت. هواداران اخوان المسلمین مردم را به نفع انقلاب وارد خیابان ها کردند.

اختلاف اخوان و جمال عبدالناصر

بعد از کودتای موفقیت آمیز افسران آزاد علیه خاندان سلطنتی و برقراری نظام جمهوری در مصر، تعارضات بین دو طرف پدیدار گردید، اخوان المسلمین از دولت درخواست نمود در جهت اهداف اسلامی، حرکت های خود را در جامعه آغاز کند، ولی ناصر معتقد بود دین باید از سیاست جدا باشد و مذهب رابطه فردی بین انسان و خداست و نباید در امور جامعه دخالت نماید. چون الهضیبی با اصلاحات ارضی ناصر مخالفت کرد، ناصر آنان را حامی سرمایه داری معرفی کرد و اعلام نمود اختلاف وی



پس از روی کار آمدن محمد انور سادات، اگر چه سخت گیری‌های دوران ناصر به پایان رسید اما نگاهی با رویکرد ابزار مدار، جایگزین آن شرایط گردید. دولت انوار سادات از این رهگذر تلاش داشت تا به بهره بردن از توان سازمانی و نفوذ جماعت اخوان المسلمین، رقبای سرسخت خود از جمله ناصری‌ها و ملی‌گرایان لیبرال را از صحنه به در کرده و پایه‌های حاکمیتی خود را مستحکم سازد. انور سادات در مواجهه با چپی‌ها، افراد اخوان المسلمین از جمله حسن الهضیبی را از زندان آزاد کرد و از آنان برای تهیه پیش نویس قانون اساسی دعوت کرد، ولی چون اخوان المسلمین نتوانست نظرات خود را در قانون اساسی قرار دهد، مبارزات خود را از طریق پارلمان مصر و وسایل ارتباط جمعی پیگیری نمود. بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸م. روابط اخوان المسلمین با سادات مسالمت آمیز بود؛ ولی بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱م برابر انعقاد پیمان صلح مصر و اسرائیل و انقلاب اسلامی ایران این روابط تیره گردید و ترور سادات در سال ۱۹۸۱م به وسیله سازمان الجهاد از منشعبین اخوان المسلمین که تحت

اخوان المسلمین در مصر به دلیل سوء قصد به جمال عبدالناصر یکبار در ۱۹۵۴م. و یکبار در ۱۹۶۵م. مورد تعقیب و آزار قرار گرفتند. در ترور ۱۹۵۴م، حسن الهضیبی دستگیر شد و حکم اعدام وی به دلیل پیری، به حبس ابد تقلیل یافت. هر چند که وی اصرار می‌ورزید در این ترور دست نداشته است ولی سازمان مخفی، که جزیی از اخوان المسلمین بود این ترور را انجام داده بود.

بین سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۷۱ تمام تلاش جماعت اخوان المسلمین که توسط جمال عبدالناصر منحل اعلام شده بود عموماً مبتنی بود بر حفظ حداقل شاکله تشکیلاتی و فعالیت انفعالی در برابر وقایع و رخدادهای سیاسی و اجتماعی.

اخوان المسلمین دلایل شکست ناصر از اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷م را کم توجهی به مذهب در سیاست‌های ناصر می‌دانستند، و این شکست را نشانگر کیفر الهی به دلیل جوّ اختناق در مصر و این که ناصر با یک دولت بی دین (شوروی سابق) متحد شده بود، معرفی می‌کردند.

انور سادات و اخوان



مراحل با اندیشه‌های اخوان آشنا شده و به عضویت این جماعت نیز در آمده بود. رهبری تلمسانی بر اخوان المسلمین از آن زاویه اهمیت دارد که وی اساساً شخصیتی عملگرا و نه ایدئولوژیک بوده و همین مسأله در چگونگی اتخاذ موضع و راهبرد در مجموعه جماعت تأثیر بسزایی داشته است. از این رو وی اصل مذاکره با اسرائیل، پذیرش تحزب و پذیرش رقابت دموکراتیک، به رغم تباین کامل با آرمان‌های اخوان المسلمین را وارد گفتمان جماعت کرد.

از این پس به رغم فعالیت‌های فراوان حامد ابوالنصر و مصطفی مشهور رهبران بعدی اخوان برای بازگرداندن آنچه التلمسانی بنیان نهاده بود به شرایط پیشین، حرکت جماعت به سمت عمل‌گرایی شدت گرفت. پر واضح است که این حرکت‌ها و تعدیل‌ها در درون جماعت از مسأله تقیه ایدئولوژیک و اتخاذ تاکتیک موقت، عمیقاً فراتر می‌رود و به طرح رابطه جدیدی میان جماعت و سیاست منتهی می‌شود. این رابطه جدید را می‌توان در نوع نگاه به حکومت و مردم سالاری، تحزب و کثرت‌گرایی و همکاری با احزاب غیر

تأثیر اندیشه‌های سید قطب بودند صورت پذیرفت

تجدید حیات عملگرایانه و واقع بینانه اخوان :

در دوره جدید فعالیت اخوان در زمان سادات دو رویداد مهم به وقوع پیوست که زمینه ساز بسیاری از تحولات منتج به اتخاذ راهبردهای عمل‌گرایانه در جماعت گردید.

نخستین واقعه، فعالیت اعضای جماعت اخوان در کشورهای سوریه و سودان برای استقلال بومی و محلی از اخوان المسلمین مصر است. این حرکت اگر چه موجب واکنش جماعت گردید اما در نهایت نطفه گذار این مسأله در ذهن اعضا شد که استقلال داخلی و ملی برای هر کدام از تشکلهای منطقه‌ای مشروط به پی روی از کارکردهای مرکزیت جماعت اخوان در مصر امری مطلوب و واقع‌بینانه است، حتی اگر مغایر اصولی باشد که در سال ۱۹۴۶ بنیانگذاران اصلی جماعت بر آن تصریح داشتند.

واقعه دیگر، انتخاب عمر التلمسانی به مقام مرشدی عام جماعت بعد از مرگ حسن الهضیبی در سال ۱۹۷۴ بود. وی در اصل عضو حزب ملی‌گرای الوفد بوده و طی



نمی‌بندیم. همه تلاش خود را برای احیای نظام حکومتی اسلام همراه با مظاهر آن و تکوین نظام اجتماعی اسلامی بر اساس آن به کار می‌بندیم».

پر واضح است که منظور و مقصود حسن البنا نخستین مرشد عام جماعت و پایه‌گذار ایدئولوژی عملی این جنبش از بکارگیری لفظ احیای نظام حکومتی اسلام، همان است که استاد و مراد وی، رشید رضا از آن به عنوان احیای خلافت اسلامی یاد می‌کرده است. از این روشن‌تر «مامون الهیسی» مرشد عام اسبق اخوان اعلام کرده بود که هدف وی ایجاد وحدت میان مسلمانان و احیای خلیفه گری اسلامی است.

این دیدگاه‌ها و بسیاری دیگر از اظهارات رهبران بلند پایه جماعت اخوان المسلمین در گذشته و حال، ریشه در باورهای عمیق و قلبی نسل پیشین اخوان و نیز برخی اعضای جوان‌تر آن در حال حاضر دارد. اما در تضاد با این آراء و افکار بسیاری از رهبران کنونی جماعت، نظرگاه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متضادی ابراز کرده‌اند که گاه موجب

اسلام‌گرا، تأثیر نگاه ملی بر نگاه جهان شمول و تحولات در عرصه سیاست خارجی مشاهده نمود که طی بندهای زیر بدان‌ها پرداخته می‌شود.

نوع نگاه به حکومت و رقابت سیاسی مردم سالار

حسن البنا در رساله «الی الشباب» طی هفت بند، سیاست و اهداف کلی جماعت اخوان المسلمین را به تصویر کشیده است. بند چهارم از این اهداف که ناظر بر نوع حکومت مورد نظر جماعت است به روشنی اعلام می‌کند: «... اخوان المسلمین در اندیشه ایجاد حکومت اسلامی است به گونه‌ای که مردم را به ایمان و عبادت و اخلاق تشویق نماید. آنان را با هدایت و رسالت اسلام به درستی آشنا سازد. ما به هیچ وجه حکومتی که بر روی اصول و مبانی اسلام تکیه نمی‌کند و از آن استفاده نمی‌نماید اعتراف نمی‌کنیم (نمی‌پذیریم). این نوع احزاب سیاسی را نمی‌پسندیم و به این گونه از اشکال حکومتی تقلیدی و دنباله روانه را که دشمنان اسلام و اهل کفر ما را مجبور به پذیرش آن می‌کنند به هیچ وجه اعتراف نمی‌نماییم (نمی‌پذیریم) و آن را به کار



هوادر سرسخت اندیشه احیای نظام سیاسی خلیفه‌گری اسلامی بوده و با بسیاری از ظواهر تمدن غربی سر ناسازگاری دارند.

دسته دوم نیز گروهی از جوانان اخوان می‌باشند که تغییرات درونی و برون‌ی جماعت را بسیار کند و دور از انتظار دانسته و خواهان تبدیل سریع جماعت به یک حزب کاملاً قانونی و در چارچوب نظامات واقعی مردم سالار هستند.

این گروه به رهبری «ابوالعلا ماضی» از جماعت انشعاب کرده و تقاضای تشکیل حزب اسلام‌گرایی با عنوان «الوسط الجدید» یا جیل الوسط را به دولت ارایه داده‌اند. طرفداران تغییر و تحول در این جنبش می‌گویند که این جنبش در طول فعالیت طولانی خویش از دستیابی به اهداف سیاسی خود یعنی رسیدن به حاکمیت ناکام ماند. آنها سعی می‌کنند دلیل این ناکامی را موشکافی کنند و بگویند که سبب ناکامی آنها به عقیده و ایمان شان برنمی‌گردد بلکه دلیل اصلی آن بر سر محور تشکیلات و نحوه اداره جنبش می‌چرخد. طبق گفته «ابوالعلا ماضی» آنها سعی می‌کنند علت اصلی را در موضوع حضور قانونی این جنبش در مصر بررسی کنند.

نزاع فکری میان طیف‌های مختلف درون اخوان المسلمین شده است.

علاوه بری مشی عملی چند ساله اخیر اخوان المسلمین و اظهارات اعضای ارشد آن مبنی بر پذیرش چهارچوبه‌های قانونی برای تغییر حکومت فعلی و کسب قدرت در مصر، محمد مهدی عاکف رهبر کنونی جماعت در مصاحبه با جریده الشرق الاوسط با تأکید بر این مسأله می‌گوید: «اهداف ما و نیت ما روشن و مشخص است، ما خواستار دموکراسی کامل و جابه‌جایی قدرت از طریق روش‌های مسالمت آمیز هستیم».

از این رو مشخص است که طیفی از اعضای اصلی و مسن‌تر اخوان همانند بسیاری از اعضای طیف جوان جماعت، با پذیرش ساز و کار نظام مردم سالار و وانهادن آرمان احیای خلافت اسلامی، قواعد بازی جدید سیاسی را پذیرفته و بدان عمل می‌کنند. البته این عدول از آرمان به مذاق بسیاری از اعضای و گروه‌بندهای جماعت خوش نیامده و علیه آن اقدام کرده‌اند.

دسته نخست معارضین کسانی هستند که خود را وفادار به آرمان و اندیشه‌های حسن‌البناء و بنیانگذاران جماعت می‌دانند و از این رو



عمر التلمسانی سومین مرشد عام، برای نخستین بار با ارایه طرح تشکیل یک حزب سیاسی با رد اصل سنتی اخوان یعنی مردود دانستن تحزب و کثرت‌گرایی، اعضای سنی اخوان را غافلگیر کرد. هر چند وی در این راه با مخالفت همزمان دولت و اعضای جماعت مواجه بود اما سنگ بنایی در جماعت نهاد که بعدها موجبات آغاز دگردیسی جماعت به یک حزب سیاسی را فراهم نمود. می‌توان گفت علل و نشانه‌های زیر از مهم‌ترین و قابل توجه‌ترین عواملی هستند که جماعت اخوان را به سمت و سوی بازسازی تشکیلاتی با هدف تأیید تحزب و کثرت‌گرایی سوق داده یا زمینه‌های آن را فراهم کرده‌اند.

- دموکراتیک کردن نظام داخلی تشکیلات از طریق رأی‌گیری محرمانه و تعیین یک مجلس شورا به جای هیأت تأسیس سابق و تعیین دوره چهار ساله فعالیت برای اعضای دفتر تبلیغ و نیز تعدیل اختیارات رهبر و مرشد عام اخوان و کاهش مدت زمام داری وی از

این مسأله واضح است که تغییر راهبرد کلان اخوان المسلمین نسبت به نوع حکومت و نیز تعهد به نظامات حکومت مردم سالار که البته در مصر در مراحل اولیه شکل‌گیری است فراتر از یک تاکتیک موقت بوده و نشانه‌ای از دگردیسی فکری و ذهنی مهمی در آینده جماعت است.

تحزب و کثرت‌گرایی

جماعت اخوان المسلمین در آغاز راه با توجه به مبادی و مخارج عقیدتی خود، چندان توجهی به مفهوم تحزب و کثرت‌گرایی نداشته و بعضاً آن را مطرود می‌دانسته است. بند چهارم از اهداف اخوان المسلمین که پیشتر آورده شد نیز به نحوی به این مهم اشاره دارد. هم‌چنین سطوح بالای جماعت نیز بارها به مسأله عدم پذیرش کثرت‌گرایی اشاره داشته‌اند. «مصطفی مشهور» مرشد عام اسبق اخوان می‌گوید: «ما مفهوم کثرت‌گرایی را برای مدت کوتاهی می‌پذیریم. با این وجود وقتی که ما حاکمیت اسلام را داشته باشیم ممکن است این مفهوم را رد کنیم».

آشنایی با اخوان المسلمین

International Union of Unified Ummah

به آرمان‌های میانه‌روانه اسلامی است واجد انگارهای دموکراتیک و مشارکت پذیر بیشتری نسبت به نسل پیشین می باشند و این مسأله به خودی خود فرض اصلی ما، یعنی حرکت به سوی تحزب و پذیرش تکثر در جامعه مصری را تقویت می نماید.

- رشد نسبی زمینه های دموکراتیک در جامعه مصر و نفوذ اندیشه های مردم سالار در درون جامعه روشن فکر و تا حدودی عامه مردم که تأثیر مستقیم خود را بر مشی عملی اخوان گذارده و خواهد گذاشت.

طی سالهای اخیر، رهبران اخوان بیش از پیش در نگرش خود نسبت به تحزب و کثرت گرایی تجدید نظر کرده و دیگر به هیچ وجه و به طور رسمی پذیرش این مسأله را سیاست موقت و مقطعی اعلام نکرده و بالعکس، بار ها وفاداری خود را به ایده تکثر و تحزب مردم

مادام‌العمر به شش سال رهبری قابل تمديد. به این ترتیب، مرشد عام دیگر یک پیشوا و امام محسوب نمی شد بلکه به سیاق احزاب، وی به یک دبیر کل مورد احترام و با اختیارات خاص و مصرح در مرام نامه جماعت تنزل رتبه یافت.

- لغو نظام هسته‌ای و خانوادگی سازگار با ساختار سری و قدیمی اخوان و نتیجتاً تصور هر یک از آن هسته ها به عنوان یک واحد تشکیلاتی و نیز کمیته ای ویژه برای بررسی و فعالیت در انتخابات، پیمان های حزبی و پارلمان مصر.
- خروج بسیاری از نیروهای مسن و قدیمی از سطوح میانی جماعت به علل مختلف و ظهور نسل جدید اخوان در مناصب بالای جماعت نیز یکی از عوامل فوق‌الذکر می باشد، چراکه نسل جدید جماعت که پایبند



به صورت مستقل نشانگر میل و رغبت جماعت اخوان المسلمین برای حضور و نفوذ هر چه بیشتر در قدرت و ساختار حکومتی مصر در جهت نیل به آرمان های خود و البته با توسل ابزارهای گوناگون از جمله تحزب و پایبندی به تکرر و مردم سالاری است.

تأثیر نگاه ملی بر دیدگاه جهان شمول اسلامی

حسن البنا در رساله «الی الشباب» و متأثر از نظریه احیای خلافت اسلامی می نویسد: «... تلاش خواهیم کرد که همه اجزای میهن اسلامی را که سیاست غرب آن را پاره پاره نموده [است] به یکدیگر پیوند دهیم. بر همین اساس ما تقسیم بندی های سیاسی و پیمان های بین المللی که میهن اسلامی را به کشورهای ضعیف و کوچک تبدیل نموده و آنها را به صورت لقمه سهل و ساده ای برای بلعیده شدن توسط استعمارگران غاصب درآورده قبول نداریم. ما هیچگاه در برابر آزادی این مردم و حکومت استبدادی دیگران سکوت نمی نماییم. مصر، سوریه، عراق، حجاز (عربستان)، یمن، لیبی، تونس، الجزایر، مراکش، ایران و هر سرزمینی که مسلمانان در

سالار ابراز کرده و برنامه های حزبی خود را نیز اعلان نموده اند.

محمد مهدی عاکف دبیر کل قبلی جماعت اخوان المسلمین در این زمینه می گوید:

ما یک گروه اسلامی همه جانبه هستیم، برنامه و رسالت ما خدمت به جامعه مسلمان است، از فرد گرفته تا خانواده مسلمان و تا اجتماع مسلمانان اهداف ما هستند. هم چنین ما در تمامی زمینه های زندگی برنامه داریم زیرا دین اسلام دین زندگی است که برای نجات بشر آمده است. ما برنامه هایی در زمینه تربیتی، آموزشی، اقتصادی، فرهنگی و حتی ورزشی داریم و در رأس همه این ها برنامه سیاسی ما قرار دارد. اگر سیاست ایجاب کند که به شکل یک حزب فعالیت کنیم ما از آن استقبال خواهیم کرد. من طرفدار آن قانون اساسی در مصر هستم که بگوید حق هر شهروند است که حزب یا جمعیت درست کند و بتواند از طریق حزب خود حکومت را به چالش بکشد».

پر واضح است که این اظهارات و اقدامات عملی ای هم چون شرکت در انتخابات با اتحاد و ائتلاف با احزاب ملی و سکولار و یا



اخوان رایج شده است دامنهدار و تأثیر گذار نبوده است. پس از کنش های اعضای اخوانی سوریه و بعدها سودان و دیگر شعب اخوانی در به دست گیری بومی و ملی جریان جماعت در کشورهای خود و نیز برخی برخوردها و تحولات درون سازمانی به علاوه شرایط خاص ملی و بین المللی، طی یک دو دهه اخیر، نوعی نگاه ملت محور در گفتمان سیاسی اخوان المسلمین مصر مشاهده می شود که حتی در مواردی برتر از مفهوم امت محور طرح شده اند.

هم چنین قابل ذکر است که در کنگره های اخیر نهضت های اسلام گرا، این رفتار ملی مآبانه اخوان المسلمین مصر، مورد اعتراض جنبش های اسلامی شاخه اخوان یا هواداران آن در لیبی و الجزایر قرار گرفته که خود گواهی بر این مدعی است.

محمد مهدی عاکف در این زمینه می گوید: «اعضای اخوان المسلمین در هر کجا که هستند در درجه اول وظیفه دارند به کشوری که در آن زندگی می کنند خدمت نمایند. این خدمت باید بر طبق اصول و روش اخوان المسلمین و قوانین آن کشوری صورت گیرد که در آن زندگی می کنند» هم چنین در

آن زندگی می کنند و به لاله الا الله باور دارند، میهن اسلامی خویش به شمار آورده و برای آزادی و نجات آنها و ایجاد وحدت دوباره در میان آنها از هیچ تلاشی دریغ نخواهیم ورزید»

در کنار این اظهار نظر صریح، برخی دیگر از اندیشمندان و صاحبان رأی و نفوذ در جماعت اخوان المسلمین هم چون مامون الهضیبی و سید قطب با تأکید بر مفهوم امت اسلامی در برابر ملت های خرد و عقیده ناسیونالیسم در جهان اسلام، مشخص می کنند که در ایدئولوژی اصیل جماعت، جای چندانی برای مفهوم ناسیونالیسم و ملی گرایی وجود نداشته و این مفهوم به سود مفهوم امت اسلامی کنار نهاده شده است.

اگر چه نباید فراموش کرد که پیش از این، رشید رضا به عنوان نظریه پرداز اسلام گرای پر نفوذ بر حسن البناء، برخی بن مایه های عرب گرایی را در طرح اسلامی خود گنجانده بود که به واسطه فضای عمومی ناسیونالیسم عربی در جهان عرب، خواه ناخواه تأثیرات خود را بر افکار، عقاید و اعمال گروه اخوان گذارده است اما بی شک این ادبیات هیچ گاه تا به این حد که امروز در گفتمان سیاسی



جماعت اخوان المسلمین هم راستا با تعدیل مواضع خود در رابطه با مسائلی هم‌چون دموکراسی، کثرت گرایی، دولت اسلامی و منافع ملی، دگرگونی‌های قابل توجهی را در سیاست خارجی و مواضع خود نسبت به کشورهای دیگر به ویژه دو کشور آمریکا و اسرائیل به مرحله اجرا گذارده است تا احتمالاً از این رهگذر مسئولیت پذیری حزبی خود را در چارچوب‌های حقوقی و قانونی کشور مصر تقویت کرده و در آینده به عنوان یک بازیگر رسمی در ساختار سیاسی این کشور شناسایی شود.

همان گونه که گفته شد، مهم‌ترین دگرگونی‌های عمل گرایانه در تنظیم مواضع خارجی جماعت اخوان نسبت به صهیونیسم و تداوم اشغالگری‌های اسرائیل و نیز نوع نگاه و رفتار با آمریکا به عنوان ابر قدرت زیاده خواه جهان انجام گرفته است. بنابراین ذیل مقدمه فوق برخی از این موارد تعدیل در ارتباط با دو دولت فوق الذکر آورده شده است.

اساساً جماعت اخوان از بدو تأسیس رژیم جعلی اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی

جای دیگر می گوید: «چه مشکلی وجود دارد اگر با حزب حاکم (حزب دموکراتیک ملی) در یک نکته اتفاق نظر داشته باشیم یا آنها با ما در یک زاویه از افکار همراه شوند؟ تا زمانی که این اتفاق نظر بر اساس منافع ملی کشور باشد، ما آن را می پذیریم... اخوان المسلمین با منافع ملی، از سوی هر کسی که مطرح شود، همراه خواهد شد، خواه آن طرف حزب دموکراتیک ملی باشد یا حتی حزب کمونیست و تأکید می کنم که دیدگاه‌های مختلف در احزاب مختلف فقط در منافع ملی قابل جمع خواهند بود»

اگر چه به طور مشخص سخنان وی، مفهوم امت اسلامی را کنار نمی‌گذارد اما چگونگی ابراز آنها و نحوه گفتمان سیاسی بسیاری از اعضای برجسته اخوان به احتمال فراوان براینند یک تحلیل حزبی و خود شناسی درونی جدید و معطوف به ایجاد یک حزب سیاسی اسلام گرا می باشد و یقیناً با گفتمان سیاسی یک جنبش اسلامی کلاسیک و فراگیر تفاوت دارد.

**تحولات در عرصه سیاست خارجی
اخوان المسلمین**



با اسرائیل می پردازیم. ما روش مبارزه با آنها را پیش نمی گیریم بلکه با روش خاص خودمان [رشد و توسعه اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیکی] با آنها خواهیم جنگید». وی هم چنین در مورد معاهده کمپ دیوید و روند صلح خاورمیانه نیز از عدم مخالفت و سنگ اندازی اخوان خبر می دهد. وی تأکید دارد که برای تفسیر سیاست خارجی کشور، حتی در رابطه با معاهده صلح با اسرائیل تلاش نمی کند اما هرگز این رژیم را به رسمیت نخواهد شناخت.

«

بنابراین روشن است که جماعت اخوان المسلمین روش ها و راهکارهای مبارزاتی خود را تحت عنوان یک جنبش اسلام گرا ترک گفته و با پذیرش معیارهای حزبی و در چارچوب های حقوقی قانونی مصر و تحت لوای ایدئولوژی حزبی، روشهای نوین مبارزاتی حزبی خود را سازمان داده است. بدین معنی که مواضع پیشین جماعت از جانب یک جنبش اسلام گرا ادا می شد اما مواضع کنونی بیشتر به مواضع یک حزب اسلامی میل کرده است.

فلسطین، به هیچ وجه حاضر به توافق در مورد شناسایی و مذاکره با این رژیم نبوده و بارها نیروهای داوطلب خود را برای جنگ و مبارزه با این رژیم به سرزمین های اشغالی گسیل داشته است.

هم اکنون نیز جماعت اخوان المسلمین کشوری به نام اسرائیل را به رسمیت نمی شناسد. از نظر جماعت، قضیه فلسطین قضیه نخست جهان اسلام است و نمی توان بر سر آن سازش کرد. بنابراین عموماً مخالف مذاکره و عقد قرار داد با صهیونیست ها هستند.

اگر چه موضع اصولی اخوان المسلمین پیرامون اسرائیل هم چنان مبتنی بر عدم به رسمیت شناختن این واحد سیاسی باقی مانده، اما در عین حال، نوع برخورد با آن و ادبیات مورد استفاده جماعت واجد تغییر قابل تاملی گردیده است.

محمد مهدی عاکف رهبر پر نفوذ جماعت در این زمینه می گوید: «جماعت اخوان المسلمین هرگز اسرائیل را به رسمیت نخواهد شناخت و در خلال پیشرفت کشور به مبارزه



و خواهان خروج نیروهای اشغالگر از سرزمین های اسلامی هستند.

اما باید گفت این مواضع تنها یک روی سکه عملکرد جماعت اخوان المسلمین نسبت به امریکا بوده و طی چند ساله اخیر جماعت اخوان در مواضع خود نسبت به امریکا به نوعی بازنگری دست زده است.

طی یک دوره زمانی که تقریباً از سال ۲۰۰۳ میلادی آغاز و تا سال ۲۰۰۷ تداوم یافت اخوان المسلمین نشانه های مثبتی به امریکا فرستاد و از حجم مخالفت های صریح خود و با این کشور کاست، این عمل بدان دلیل بود که دولت نو محافظه کار امریکا صریحاً به حمایت از جنبش ها و گروه های مخالف دولت مصر پرداخته و در راستای عمل به طرح خاورمیانه بزرگ و شمال آفریقا در صدد گسترش کنترل شده نظام مردم سالار در کشورهای اسلامی بر آمده بود.

طی این روند جماعت اخوان ضمن انتقاد از سیاست های خصمانه دولت امریکا علیه جهان اسلام و تشکیک در حسن نیت آنها از

از این رهگذر است که اعضای اخوانی پارلمان مصر نقطه تمرکز خود را از برخورد و محو اسرائیل به زمینه هایی از جمله افشای قرار دادهای اقتصادی مصر با اسرائیل و اعتراض به حضور و نفوذ اتباع و دولت این کشور در صنایع گاز، نساجی و دارو سازی منتقل کرده و بارها در این مورد به جامعه و دولت مصر هشدار داده اند.

در مورد تغییر مواضع جماعت اخوان المسلمین درباره امریکا نیز وضع مشابهی حکم فرما است. جماعت اخوان، امریکا را به عنوان دشمن فوق العاده تلقی می کند که در تلاش است تسلط خود را بر خاورمیانه افزایش داده و اسلام را از میان ببرد.

اساساً جماعت اخوان در چند وجه اساسی از جمله حمایت بی دریغ امریکا از اسرائیل و غصب سرزمین های فلسطینی، اقدامات ضد اسلامی و محدود سازی گروه های اسلام گرا و حمایت ایالات متحده از دولت اقتدارگرایی حسنی مبارک به این دولت معترضند. هم چنین آنها حضور امریکا در عراق و افغانستان را مصداق بارز تجاوز و اشغالگری قلمداد کرده



نیستیم، مگر اینکه از کانال وزارت خارجه مصر صورت گیرد».

بنابراین مشهود است که طی این دوره زمانی (۲۰۰۳-۲۰۰۷) جماعت اخوان المسلمین ضمن حفظ مواضع ضد امریکایی خود، در تلاش بوده است تا این مواضع را در قالب جدید گفتمان حزبی و با مسئولیت پذیری و هزینه و فایده حزبی باز تعریف نماید. ثمره این باز تعریف و ایجاد یک گفتمان دوگانه در رابطه با امریکا برای جماعت اخوان آن بوده است که ضمن حفظ حداکثر ممکن آرمان های جنبشی، از منافع واقع گرایانه و حزبی این نوع تعامل دوگانه بهره مند گردد.

از این رو می توان مواضع جدید اخوان المسلمین مصر نسبت به ایالات متحده را در چارچوب پارادایم حزبی، تابعی نه چندان متقن از رفتار امریکا با دولت مصر و نوع حمایت آن از این دولت و هم چنین میزان حمایت از رژیم اسرائیل دانست که با کاهش یکی یا هر دوی این نوع حمایت ها و طبعاً افزایش همکاری این دولت با جامعه مدنی مصر از حجم حملات علیه امریکا کاسته می شود.

کمک به جنبش های میانه روی اسلامی، آمادگی خود را برای گفتگو با برخی مقامات امریکایی اعلام کردند و این چیزی بود که پیش از آن حداقل به طور رسمی و علنی از سوی گروه اخوان سابقه نداشته است. در این رابطه محمد حبیب معاون رهبری اخوان المسلمین طی مصاحبه ای با پایگاه خبری «محیط»، انجام مذاکره میان اعضای کنگره امریکا با اعضای اخوانی مجلس «الشعب» را تأیید کرده است.

هم چنین محمد مهدی عاکف در اظهاراتی شبیه اظهارات یک دبیر کل حزب، عنوان داشته است که «... میان ما و ملت امریکا هیچ دشمنی ای وجود ندارد. ریشه بسیاری از ارزش های غربی در جوامع ما وجود دارد. ما از هر گونه ارزش های درست حمایت می کنیم از دموکراسی گرفته تا مسائل مربوط به کار و غیره. و در این میان با همه نهادها و گروه های مدنی امریکایی همکاری می کنیم. اما اگر دولت امریکا یا یک دولت اروپایی بخواهد با ما گفتگو کند، تنها کانال ارتباطی آن در این زمینه، وزارت خارجه مصر است. ما هیچ پیش شرطی برای این دیدارها قائل



تشکیلات سازمانی اخوان المسلمین

هیأت‌های ریسی شامل «مرشد عام» که رئیس کل جمعیت است، «دفتر ارشاد عام» که مخصوص هیأت اداری جمعیت و راهنمایی آموزش و تبلیغ می باشد و «هیأت مؤسسان» که از مجلس شورای عام و مجمع عمومی برای دفتر ارشاد عام تشکیل گردیده است، می باشد.

مرشد عام رئیس کل جمعیت بوده، سرپرست دفتر ارشاد عام و رئیس هیأت مؤسسان هست؛ دفتر ارشاد عام دارای ۱۲ عضو بوده که از بین اعضای هیأت مؤسسان انتخاب شده اند. هیأت مؤسسان از اعضای مؤسس جمعیت تشکیل می شود که سابقه آنها در عمل به اهداف جمعیت، از دیگران بیشتر است و وظیفه آن راهنمایی و رهبری در تبلیغ و آموزش و چگونگی پیشرفت کارها و نیز انتخاب اعضای دفتر ارشاد عام و حسابرسی از کارهای جمعیت است. وظیفه دفتر ارشاد عام، بیدار نمودن مسلمانان و التزام به شرکت در جلسات و حفظ اسرار می باشد و در صورت کوتاهی اعضا مورد مؤاخذه قرار می گیرند. جمعیت اخوان المسلمین بر حسب مناطق و شهرها به شعبه های مختلف تقسیم می شوند

که هر کدام از این شعبه ها دارای مسؤولی به نام مجلس اداری است که به وسیله مجمع عمومی هر شعبه انتخاب می شود. اخوان المسلمین از نظر اداری به سه بخش اداره شعبه، اداره منطقه و دفتر اداری که هر سه تابع دفتر ارشاد عام هستند تقسیم می گردد. کمیته های اصلی وابسته به دفتر ارشاد شامل کمیته مالی، کمیته قضایی، کمیته سیاسی، کمیته خدمات، کمیته مسائل فقهی و کمیته آمار می باشد. بودجه جمعیت به وسیله جمع آوری حق عضویت و هدایا و اوقاف فراهم می آید.

شبکه جهانی اخوان

تقریباً در اواسط قرن نوزدهم بود که شاخه های اخوان به قوی ترین سازمانهای کشورهای خاورمیانه تبدیل شده بودند، و رفته رفته تمام شمال آفریقا و کشورهای اسلامی مهم نظیر ترکیه، پاکستان، مالزی، اندونزی، شاهد شکل گیری و رشد سریع شاخه های اخوان گردید. آنچه همه این شاخه ها را به هم متصل می ساخت در وهله نخست عقیده بود. تلاش مشترک برای برقراری حکومت اسلامی که شاه بیت آن در اجرای احکام اسلامی نهفته بود. مشخصه های فکری اخوان در مقالات متعددی که در این شماره منتشر شده در اختیار خوانندگان گرامی قرار



آشنایی با اخوان المسلمین

International Union of Unified Ummah

تشکیلات را مدیریت می کرد. مشهور توانسته بود بسیاری از کادرهای خود را در درون ارتش و سازمانهای امنیتی دست ناخورده حفظ کند. به همین دلیل در آستانه دستگیریهای گسترده ای که در ۵ سپتامبر سال ۱۹۸۱ در مصر روی داد و طی آن انورالسادات طیف گسترده ای از مخالفان خود اعم از ناصریست، چپ و اسلام گرا را به حبس درآورد، نفوذهای اخوان او را از این تصمیم آگاه ساخته بودند. پیش از آنکه احدی از این تصمیم آگاهی یابد، مشهور از قاهره خارج شد و به کویت رفت تا از آنجا به آلمان برود و مدتی را به عنوان مهاجر در اروپا سپری کند.

در این دوره اخوان با وضعیت جدیدی مواجه بود. بسیاری از کادرهای اخوان که پیش از آن به اروپا و آمریکا رفته بودند، با ارتقاء توانایی های شخصی در حرفه های مختلف توانایی های ویژه ای یافته بودند که می توانست در خدمت تشکیلات قرار گیرد. از سوی دیگر سیر تحولات در کشورهای مختلف اسلامی شاخه های مختلف اخوان را با چالش های جدیدی مواجه ساخته بود که معالجه ای درخور می طلبید. مشهور در این دوره دو راهکار برای اخوان یافت که کارایی آنها با گذر زمان به اثبات رسید. او به این نتیجه رسیده بود که مکتب ارشاد که عالیتترین مرجع تشکیلاتی به شمار می رفت به دلیل واقع بودن در کشور مصر و مشکلات عدیده ای که هر از چندی پیش روی

دارد تبیین شده است. اما اتصال شاخه های مختلف اخوان به یکدیگر از نظر تشکیلاتی نیز ضابطه مند بود. مکتب ارشاد عالیتترین مرجع تصمیم گیری اخوان المسلمین بود که ۸ تن از اعضای ۱۳ نفره آن را رهبران اخوان مصر تشکیل می دادند. البته مرشد عام اخوان در کشورهایی نظیر اردن، سوریه، سودان نیز به عنوان نمایندگان شاخه های مختلف به عضویت مکتب ارشاد درمی آمدند. بدین ترتیب مکتب ارشاد که تحت سیطره اخوان مصر بود و مرشد عام اخوان در رأس آن قرار می گرفت به عنوان عالی ترین مرجع تصمیم گیری همه شاخه ها را زیر نظر داشت. سرکوب شدید اخوان از سوی عبدالناصر نتوانسته بود که ارتباط تشکیلات مادر در مصر را با دیگر شاخه های آن را به طور کامل قطع کند هر چند که به همین دلیل فرصتی فراهم شد تا دیگر شاخه های اخوان که در این دوره از آزادی عمل بیشتری برخوردار بودند از رشد بیشتری برخوردار گردند.

مصطفی مشهور یقیناً توانمندترین چهره ای است که اخوان المسلمین مصر پس از حسن البنا به خود دیده است. او رهبری تشکیلات سری اخوان را در دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی بر عهده داشت. پس از خروج از زندان عبدالناصر نقش ویژه ای در بازسازی تشکیلات ایفا نمود. حتی وقتی که هبیبی، تلمسانی و ابوالنصر به عنوان مرشد عام اخوان برگزیده شده بودند، این مشهور بود که



استراتژی برای دستیابی به هدف واحد یعنی برقراری حکومت اسلامی را مدّ نظر داشتند؛ اما از اوایل دهه ۸۰ میلادی به بعد بومی سازی در گستره وسیعتری مورد توجه قرار گرفت. حاصل این دوره از سیاست جهانی اخوان، شکل گیری رنگین کمانی است که شاخه های مختلف اخوان با هدف و ماهیت واحد آن را به نمایش گزارده اند. شاید بتوان در دوسوی این رنگین کمان شاخه های ترکی و فلسطینی اخوان را قرار داد. یکی راه تفاهم و سازش با نظام لائیک ترکیه را در پیش می گیرد و حاصل سیاست بومی سازی تشکیلات، منش اربکانی و پس از آن روش اردوگانی را به صحنه می آورد که گرچه همچنان به هدف تشکیلات پایبند است، لیکن راه صعود به قله حاکمیت لائیک را می گشاید و دیگری جنبش حماس است که با تأثیرپذیری از فضای به شدت رادیکال داخل فلسطین به بزرگترین تشکیلات مقاومت تبدیل می شود که بیش از ۱۳۰ عملیات شهادت طلبانه حاصل کار آن از سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون است. در این میان ناگزیر باید به شاخه سودانی تشکیلات نیز اشاره کرد، که گرچه به دلیل اختلافات تشکیلاتی رسماً از عضویت تشکیلات بین المللی به کنار گذاشته می شود اما همچنان رهبر آن حسن ترابی به عنوان یکی از شخصیت های تاریخی اخوان مورد احترام بوده و در مواقع سرنوشت ساز به یاری

تشکیلات اخوان در مصر قرار می گرفت شاید توان تحرک لازم برای مدیریت یک تشکیلات جهانی را نداشته باشد. لذا ایده تأسیس تشکیلات بین المللی مطرح گردید که وظیفه آن تنظیم رابطه رهبری و شاخه ها بود. شاخه ها همچنان موظف بودند که به دستورات و تصمیمات اتخاذ شده از سوی رهبری یعنی مکتب ارشاد پایبند باشند اما تشکیلات بین المللی علاوه بر ۱۳ عضو مکتب ارشاد، مجلس ۳۰ نفره دیگری را تأسیس کرد که نمایندگان شاخه های مختلف اخوان در اقصی نقاط گیتی در آن عضویت داشتند. بدین ترتیب گرچه همچنان مکتب ارشاد اداره امور اخوان را در دست داشت لیکن شورای ۳۰ نفره تشکیلات بین المللی که دبیرخانه آن در یکی از کشورهای اروپایی بود سوئیس به دلیل برخورداری از توان تحرک بیشتر نقش مؤثرتری در اداره تشکیلات و ایجاد هماهنگی میان شاخه های مختلف به دست آورد. البته این تشکیلات نیز تقریباً به طور کامل در اختیار مشهور بود.

اما مشهور و رهبری اخوان در بعد نظری نیز طرحی نو درانداختند تا مشکلات تشکیلات را حل کند. بومی سازی شاخه های مختلف اخوان از این به بعد به طور جدی در دستور کار قرار گرفت. اگرچه پیش از آن نیز شاخه های اصلی اخوان در مصر، سودان، سوریه و اردن هر یک شرایط خاص کشور خود را در سیاستگذاری و تنظیم



آشنایی با اخوان المسلمین

International Union of Unified Ummah

علیه شوروی به افغانستان می آمدند را بر عهده داشتند، اما تمایز اصلی اخوان با دیگر جریانهای اسلامی سلفی در این بود که همچنان فلسطین را به عنوان محور فعالیتهای خویش برگزیده بود. حاصل کار آن بود که تطور تشکیلاتی اخوان به تولد دو تشکیلات جدید در صحنه فلسطین انجامید؛ یکی حرکه الاسلامیه فی فلسطین به رهبری شیخ صلاح راشد است که محدوده جغرافیایی سرزمین های اشغال شده در سال ۱۹۴۸ را برای فعالیت برگزیده است و دیگری جنبش حماس به شمار می آید که از ادغام تشکیلات اخوان در غزه و کرانه باختری به وجود آمد.

لازم به ذکر است که پیش از شکل گیری حماس، اخوان غزه بخشی از اخوان مصر و اخوان کرانه باختری بخشی از تشکیلات اخوان در اردن بودند.

می توان گفت گرچه اخوان در مصر شکل گرفت و همچنان تمام شاخه های آن رنگ و بوی اخوان مصر را با خود دارند، لیکن مسئله فلسطین عنوانی است که تمام شاخه های اخوان در سراسر گیتی را به خود مشغول داشته است. ناگفته نماند که اخوان از ابتدای تأسیس خود هیچگاه در صدد نبود تا با آمریکا و یا اروپا به ستیز درآید. هر چند که به دلیل برخورد ایدئولوژیک غرب هیچگاه نتوانست به یک رابطه گرم با آن نایل آید. اما

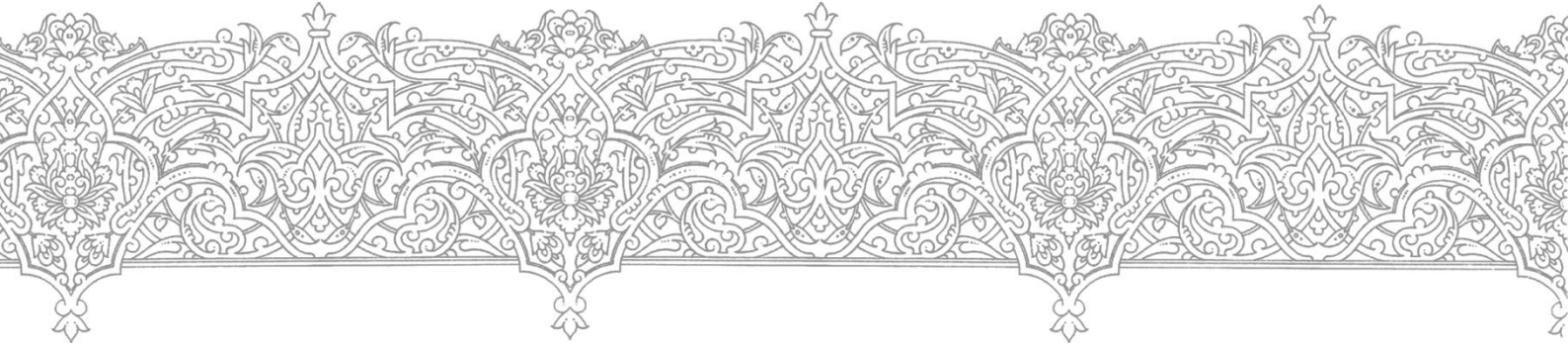
اخوان می شتابد و اخوان نیز او را به عنوان رئیس هیئت شاخه های مختلف خود برمی گزیند که به هنگام اشغال کویت توسط عراق به کشورهای مختلف سفر کرد تا راه حلی اسلامی برای این بحران بیابد. رنگین کمان اخوان، گاه در درون یک شاخه نیز نمودار می شود آن گونه که در عراق حاصل شد و حزب اسلامی عراق در شورای حکومت انتقالی که از سوی آمریکا تشکیل شده بود مشارکت نمود حال آنکه برخی دیگر از اخوانیهای عراقی راه مقاومت را در پیش گرفتند و اکثر شاخه های اخوان نیز موضع ضدآمریکایی اتخاذ کردند. اما با اینهمه محسن عبدالحمید رئیس حزب اسلامی عراق که ساختار حکومتی جدید را پذیرفته بود در همه حال به این نکته توجه داشت که باید به سرنوشت دیگر اعضای اخوان که بر خلاف او به مقاومت پیوسته بودند بیندیشد و نقش حامی آنان را ایفا کند.

اشغال افغانستان توسط شوروی توجه اخوان را همچون دیگر جریانهای اسلامی سنی به خود معطوف داشت، و دو شاخه اخوان در میان مجاهدین، یعنی حزب اسلامی حکمتیار که تشکیلات رسمی اخوان به شمار می رفت و جمعیت اسلامی که رهبر آن برهان الدین ربانی یکی از چهره های تاریخی اخوان محسوب می شود، مسئولیت سازماندهی داوطلبان اخوانی که از نقاط مختلف جهان برای مشارکت در جهاد بر



پس از تشکیل حماس و حمایت همه جانبه شاخه های مختلف اخوان، امریکا و سپس اروپا ستیز با اخوان را در دستور کار خود قرار دادند و حتی برجسته ترین چهره اخوان در اروپا یعنی یوسف ندا در فهرست تروریستی آمریکا قرار گرفت و با تعقیب شدید نیروهای امنیتی غرب توان تحرک را تا حد زیادی از دست داد و همچنین یکی از منابع مالی اخوان یعنی بانک التقوی که او ریاستش را بر عهده داشت به افلاس کشیده شد.

چشم انداز آینده اخوان در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام تا حد زیادی روشن است. اخوان به عنوان یک جنبش میانه روی اسلامی از پایگاه وسیع مردمی برخوردار است. لذا در هر جا که باب انتخابات آزاد گشوده شود، اخوان می تواند با تکیه بر تشکیلات نیرومند خود ملتها را بسیج کرده و با کسب رأی آنان در حاکمیت برای خود جایگاهی دست و پا کند. در ترکیه، مصر، فلسطین، یمن جلوه هایی ولو متفاوت از این واقعیت به نمایش درآمده است. دیگر کشورهای اسلامی به ویژه کشورهای خاورمیانه از چنین امکانی برخوردارند که در صورت برگزاری انتخابات آزاد، اخوان و یا شاخه های مختلف آن را به حکومت برسانند.



المجمع الدولي للأمة الواحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH
اتحاديه بين المللى امت واحده

واحد فرهنگى و آموزش

اتحاديه بين المللى امت واحده

٥٢١-٦٦٤٨٤٦٧٥

www.unified-ummah.com